

زیر آسمان فیروزهای

اسعدیان، رئیس هیئت‌مدیره خانه سینما شد



● **شرق:** دومین نشست هیئت‌مدیره جدید خانه سینما بعدازظهر روز چهارشنبه، ۲۵ اسفند در خانه سینما برگزار شد. در این جلسه پس از گفت‌وگو و تشریک‌مساعی بین اعضا و تعامل میان اعضای هیئت‌مدیره، همایون اسعدیان، به‌عنوان رئیس، مرتضی رزاق‌کریمی (نایب‌رئیس)، علی قائم‌مقامی (سخنگو) و روانبخش صادقی به‌عنوان دبیر هیئت‌مدیره انتخاب شدند. در ادامه جلسه، هیئت‌مدیره، به اتفاق آرا، ابقا و استمرار فعالیت منوچهر شاهسواری به‌عنوان مدیرعامل خانه سینما را تصویب کرد.

موزه عروسک‌ها افتتاح می‌شود

● **شرق:** ویژه‌برنامه‌های روز ملی تئاتر با افتتاح موزه عروسکی گروه آرآن و اجرای هفت گروه نمایش خیابانی در محوطه مجموعه تئاتر شهر در روز هفتم فروردین ۹۶ مصادف با روز ملی تئاتر برگزار می‌شود. افتتاح موزه عروسک‌های گروه تئاتر آرآن که سرپرستی آن را بهروز غریب‌پور برعهده دارد، از دیگر برنامه‌های این‌روز خواهد بود که با حضور هنرمندان تئاتر و چهره‌های فرهنگی و هنری کشور برگزار می‌شود. اجرای برنامه‌های نمایشی ویژه ایام نوروز در محوطه مجموعه تئاتر شهر از دیگر برنامه‌های روز ملی تئاتر خواهد بود که با حضور هفت گروه تئاتر آیینی و خیابانی در روزهای ششم و هفتم فروردین برگزار می‌شود. محوطه مجموعه تئاتر شهر از ساعت ۱۱:۳۰ صبح روز ششم فروردین با اجرای گروه مانکن‌های زنده سیلورمن، نوروز را به هم‌وطنان تبریک می‌گوید. ساعت ۱۶ اجرای خیمه‌شب‌بازی، ساعت ۱۶:۳۰ اجرای نمایش آیینی اقوام ایرانی و در ساعت ۱۷ اجرای نمایش حاجی‌فیروز آغازگر این‌برنامه‌ها خواهد بود. از ساعت ۱۷:۳۰ تا ۲۰ نیز چهار اجرای خیابانی شامل نمایش عروسکی سفرنامه و گردشگری، نمایش میر نوروزی، نمایش آیینی کوسه بر نشین و حاجی‌فیروز و نمایش ننه‌سرما و بابا نوروز در این محوطه برگزار می‌شود. روز هفتم فروردین‌ماه نیز محوطه مجموعه تئاتر شهر از ساعت ۱۱:۳۰ تا ۲۰ شاهد اجرای نمایش‌های آیینی دیگری است.

نسیم قاضی‌زاده؛ درحالی‌که هنوز جمعیت تشییع‌کننده علی‌ معلم از مزار او بازنگشته بودند و جامعه هنری در شوک ازدست‌دادن ناگهانی او بود، خبر رسید که افشین بداللهی، ترانه‌سرای جوان و خوشنام درگذشته است؛ خبری که تا لحظاتی تأیید نشد و امید تکذیب آن می‌رفت، اما متأسفانه این دقایق به تلخی گذشت و یکباره همچون همه خبرهای تلخ تأیید شد. این مرگ آخری تلخ‌تر از زهر که در آستانه شب عید گریبان هنر ایران را گرفته، بهانه‌ای شد برای اینکه یادی کنیم از اهالی موسیقی که در این سال پرغصه ما را ترک گفتند و دنیایشان را عوض کردند.

افشین بداللهی

مرگ افشین بداللهی را قطعاً باید شوکه‌کننده‌ترین مرگ امسال دانست؛ شاعر و ترانه‌سرای جوانی که صبح روز گذشته بر اثر تصادف درگذشت. بداللهی که ۲۴ اسفند در مسیر بازگشت از هشتگرد به سمت تهران بود، به دلیل برخورد شدید یک دستگاه کامیون با خودرویش، به‌شدت مجروح شده و درگذشت.

همسر و برادر همسر این هنرمند هم در این سانحه به‌شدت دچار جراحات شده‌اند. بداللهی از جمله ترانه‌سراهای شناخته‌شده کشور بود که بسیاری از آثارش به‌عنوان تیتراژ سریال‌های تلویزیون ازسوی خوانندگانی چون علیرضا قربانی و سالار عقیلی خوانده شد. دراین‌میان می‌توان به ترانه‌های تیتراژ‌هایی همچون سریال‌های «شب دهم»، «مدار صفردرجه» و «معمای شاه» اشاره کرد. او فعالیت حرفه‌ای‌اش در زمینه ترانه‌سرای‌ی را در سال ۱۳۷۶ در صداوسیما آغاز کرد و اولین ترانه‌هایش با آهنگ‌سازی فؤاد حجازی و شادمهر عقیلی و با خوانندگی خشایار اعتمادی اجرا شدند، اما بعدها همکاری‌هایش با فردین خلعتبری و علیرضا قربانی او را تبدیل به یکی از بهترین ترانه‌سراهای ایران کرد که آثارش بارهاوبارها شنیده و پرتیرفادر شد.

حبیب‌محبیان

قطعاً دراین‌میان مرگ حبیب‌ محبیان یکی از ترازیک‌ترین‌ها بود. صحبتش بود که به ایران بیاید؛ سال ۸۹ بود؛ آن روزهایی که هنوز التهاب‌ها کامل نخوابیده بود. حرف از کنسرتی بود که قرار بود در ورزشگاه آزادی برگزار شود؛ رؤیایی که امروز می‌دانیم هرگز محقق نشد و به نزدیکی‌های تحقق هم نزدیک نشد. رضا رشیدپور تماس گرفت و خبر از ورودش داد. از اینکه حالش خوب نیست و آمده تا اینجا باشد، بماند و کار کند. حتی به روزهای بدتر از این هم فکر کرده. آمده تا اگر اتفاقی افتاد- که افتاد- همین‌جا و در خاک ایران باشد.
بالین‌حال پرامید بود و شاد از بازگشت و اینکه بالاخره توانسته بعد از گذر ایام در تهران نفس بکشد؛

هنر



افشین بداللهی ترانه‌سرای میوه ممنوعه و شب دهم

یادی از موسیقی‌دانانی که ما را در سال ۹۵ ترک کردند

آواهایی برای کوچ

شروع شد و از شایعاتی درباره بازی مجوز و عدم امکان حضور رسمی او در ایران خبر می‌داد. کتاب ترانه‌هایش، چند حضور کوتاه در مجلس ختم هنرمندان و انتشار یک کلیپ، تمام حاصل او از شش سال زندگی‌اش در ایران بود؛ زندگی‌ای کوتاه و پر حسرت، اما برخلاف زندگی شش‌ساله و تلخش در ایران، مرگش توانست نظر مقامات رسمی را به خود جلب کند؛ نظراتی که درباره مراسم کفن‌ودفن و محل دفن او بود تا اینکه سرانجام به روستای نیاسته رامسر رسید و در تهران تنها مراسم یادبود او در هفتمین روز مرگش در مسجدجامع شهرک غرب برگزار شد. او که به مرد تنهای شب شهره شده بود، در تنهایی و حسرت از دنیا رفت و تنها آرزویی که بعد از ازگشت به ایران به آن رسید، مرگش در خاک وطنش بود.

مصطفی کمال پورتراب

مصطفی کمال‌پورتراب، استاد اکثر موسیقی‌دانان ایرانی بوده است. کمتر آهنگ‌ساز و نوازنده شناخته‌شده‌ای است که شاگردی او را نکرده باشد و تئوری موسیقی را با او نشناخته باشد. این استاد موسیقی ایران و نایب‌رئیس شورای عالی خانه موسیقی تیرماه امسال در ۹۲ سالگی درگذشت. از آثار استاد پورتراب می‌توان به قطعاتی چون قطعه‌ای در چهارگاه (۱۹۵۵)، سونات ویلن و پیانو در «دومینو» (۱۹۵۹)، سه قطعه برای گروه خیام (۱۹۶۹) سونیت هفت‌پیکر در ۹ قسمت برای ارکستر سمفونیک (۱۹۷۰)، مارش در مازور برای ارکستر

نفس‌هایی که به شماره افتاده بود. هماهنگ شده بود تا او در برجی در شمال تهران گفت‌وگو کنیم؛ گفت‌وگویی کوتاه، فوری و خبری، دلپیش در ابتدا کسالت بود و در وهله دوم گنجی همه‌مان که آیا می‌شود اصلاً به او و حرف‌هایش پرداخت یا نه. البته که می‌شد بعدها، خیلی زودتر از این حرف‌ها همه‌مان فهمیدیم، اما در بحبوحه آمدنش به ایران نه، اما زود دیر شد. حبیب زودتر از آنکه مجال شود امیدهایش شکوفا شود، درگیر داستان‌هایی شد که بیش از اندازه به آنها خوش‌بین مانده بود. روی قول‌ها و قرارها و حرف‌ها بیش از حد و فراواقعی فکر کرده بود. او که در جریان همان گفت‌وگوی کوتاه بارها روی خاطراتش از جنگ و تلاشی که برای آن در زمان اقامتش در ایران کرده تأکید داشت و اینکه در سال‌های حضورش در خارج از ایران سعی کرده از جریان اصلی موسیقی لس‌آنجلسی فاصله بگیرد و همیشه حرفی برای گفتن داشته باشد و صدای خسته و خش‌دارش را ارزان نفروشد، نتوانست حتی یک کنسرت کوچک هم برگزار کند. او که در ابتدای ورود، رؤیاهای بلند را با خودش آورده بود، پیش از مرگ تنها توانسته بود کلیبی از یکی از ترک‌هایش در شمال ایران ضبط کند که در شبکه‌های مجازی دست‌به‌دست شد. بارهاوبارها در گفت‌وگوهای کوتاه از آرزوی برگزاری کنسرت در ایران گفت و بارهاوبارها خبرنگاران در نشست‌های خبری از مسئولان ارشاد درباره امکان اجرای او سؤال کردند؛ سؤال‌هایی که به پاسخ‌هایی گنگ می‌انجامید. انتقادها

سمفونیک (۱۹۷۳)، رقص پریان در فامینور (۱۹۸۰) و آواز بی‌گفتار دو قطعه برای ارکستر زهی (۱۹۸۰) اشاره کرد. از آثار مکتوب این هنرمند نیز می‌توان به آثارش چون تئوری موسیقی (که معروف‌ترین اثر او بود)، مبانی آهنگ‌سازی، تجزیه و تحلیل موسیقی برای جوانان (ترجمه اثر لئونارد برنشتاین از انگلیسی)، حل‌المسائل تئوری (ترجمه اثر پرتسولی از ایتالیایی)، هارمونی مدرن (ترجمه اثر ایگل فیلد هال از انگلیسی)، هارمونی کلاسیک (ترجمه اثر سی. اچ. کیتسون از انگلیسی)، آهنگ‌های برگزیده ایگلفیلد هال، کنترپوان به زبان ساده (ترجمه اثر استاکز از انگلیسی) و… اشاره کرد.

فرهنگ شریف

فرهنگ شریف از جمله نوازندگانی بود که جدای از اسم و فامیل بسیار خاطره‌انگیز و فاخرش، نوازندگی و آهنگ‌سازی در خورتوجهی داشت. او که شهریورماه امسال در ۸۵ سالگی درگذشت، سابقه همکاری با بزرگ‌ترین موسیقی‌دانان ایرانی را داشت و در نوازندگی ساز تار صاحب‌سبک بود. او تار را نزد استادان، عبدالحسین شهنزاری و مرتضی نی‌داوود، تارنوازان بزرگ اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی آموخت، اما شیوه نوازندگی وی به استادانش شباهتی نداشت و مخصوص خود اوست. وی به‌عنوان یکی از تک‌نوازان و بداهه‌نوازان سرشناس موسیقی ایرانی هم شناخته می‌شود. او در کارنامه خود سابقه همنوازی با خوانندگانی چون اکبر کلپایگانی، حسین خواجه‌امیری، تاج اصفهانی، غلامحسین بنان و محمدرضا شجریان را داشته است و در چند فستیوال بین‌المللی از جمله فستیوال موسیقی برلین توانسته ساز تار را به‌خوبی به جهانیان معرفی کند.

دیگر موسیقی‌دانان

همچنین جواد لشگری، از نوازندگان و آهنگ‌سازان پیش‌کسوت موسیقی ایرانی، شاهرخ پورمیا‌مین، از نوازندگان موسیقی‌پاپ که سابقه همکاری با بسیاری از خوانندگان موسیقی‌پاپ را داشت، خلیل کسائی، فرزند زنده‌یاد استاد حسن کسائی، نوازنده پیش‌کسوت نی، مجید نجاهی، نوازنده پیش‌کسوت سنتور، بدالله تیموری، از استادان پیش‌کسوت موسیقی نواحی ایران، ابراهیم شریف‌زاده، یکی از سه خیابگر باقی‌مانده از نسل طلایی موسیقی خراسان، سلیم مودن‌زاده‌اردی‌بیلی، مداح سرشناس اهل‌بیت که نوای داوودی وی شهرت جهانی داشت، علی‌محمد بلوچ، معروف به علیوک، از بزرگ‌ترین نوازندگان چیچک بلوچستان، حسین طیبی، نوازنده ساز «لو لوه» و از بزرگ‌ترین و مطرح‌ترین هنرمندان موسیقی نواحی استان مازندران و طلیعه کامران، نوازنده پیش‌کسوت سنتور، شاعر و نقاش، از جمله دیگر هنرمندان موسیقی بودند که درگذشتند.

کریستیز خاورمیانه ایرانی‌تر از همیشه

کاتالوگ تمام‌ایرانی بیست‌ودومین کریستیز دویی

سعید با قیمت ۲۵۰ تا ۳۰۰هزار دلار گران‌ترین اثر پیشنهادی در حراج کریستیز است.

سیراک ملکونیان:خبره‌درطبیعت‌نگاری

در این دوره از حراج کریستیز، هفت اثر از سیراک ملکونیان در بخشی با عنوان «MASTER OF LANDSCAPE» به نمایش درمی‌آید که آثار با کمینه‌ها و بیشینه‌های متفاوتی از هشت تا ۷۰هزار دلار از سوی حراج پیشنهاد شده‌اند. شش اثر محمود سعید نیز در بخشی با عنوان «THE ESSENCE OF MODERNITY IN EGYPT» در این دوره از حراج کریستیز در نظر گرفته‌شده است که در آن اثری از محمود سعید با قیمت ۲۵۰ تا ۳۰۰هزار دلار چکش می‌خورد. ۱۰ اثر از هنرمندان عراق نیز در بخشی با عنوان «IRAQ AT A GALANCE» در حراج بیست‌ودوم کریستیز عرضه می‌شود. در این دوره تک‌آثری از اسماعیل شموت، هنرمند فلسطینی، نیز عرضه می‌شود که این اثر به دلیل ابعاد بزرگی که دارد یک در شش متر، منحصربه‌فرد به نظر می‌رسد. این اثر «ODYSSEY OF A PEOPLE» نام دارد که ۸۰۰ تا ۹۰۰هزار دلار قیمت‌گذاری شده است.

زنده‌رودی‌وبنی‌صدر روی جلدکاتالوگ حراج

روی جلد و پشت جلد کاتالوگ این دوره از حراج کریستیز، دو اثر حسین زنده‌رودی و علی بنی‌صدر منتشر شده که هر دو جزء آثاری هستند که بالاترین تخمین قیمت اولیه حراجی را یک می‌کشند. این اتفاق برای اولین‌بار رخ داده است که تصویر آثار هنرمندان ایران هم بر جلد و هم پشت کاتالوگ حراج کریستیز نقش می‌بندد.

۳۰هنرمندایرانی‌حاضر درحراج بیست‌ودوم

در این دوره ۳۰ هنرمند ایرانی شرکت دارند که سیراک ملکونیان در کنار حسین زنده‌رودی و فرهاد مشیری بیشترین آثار حراج از جانب هنرمندان ایرانی را به خود اختصاص داده‌اند. منوچهر یکتایی، مسعود عربشاهی، رضا درخشانی، منیر شاه‌رودی‌فرمانفرمایان، علی بنی‌صدر، فرهاد مشیری، سهراب سپهری، سیراک ملکونیان، مارکو گریگوریان، بهمن محمضی، حسین کاظمی، ابوالقاسم سعیدی، بهجت صدر، فرامرز پیلارام، نصرالله افجه‌ای، حسین زنده‌رودی، محمد بزرگی، روشک امین‌الهی، محمد احصایی، پرویز تاتولی، کورش شیشه‌گران، فریده لاشایی، فرزاد کهن، شیرین علی‌آبادی، شادی قدیریان، افشین پیرهاشمی، طلا مدنی، بهمن دادخواه، حامد صحیحی، مهرداد محب‌علی و تیمو ناصری هنرمندان ایرانی هستند که آثارشان در بیست‌ودومین حراج کریستیز چکش می‌خورد.

یاد دوست

علی معلم به خانه ابدی بدرقه شد



● **پیکر** زنده‌یاد علی معلم صبح روز چهارشنبه (۲۵ اسفند) با حضور جمع کثیری از اهالی سینما به سمت قطعه هنرمندان بدرقه شد.

در آغاز این مراسم، عزیزالله حاجی‌مشهدی، از منتقدان پیش‌کسوت، قطعه‌شعری را به روح علی معلم تقدیم کرد و بعد از آن جواد طوسی چنددقیقه‌ای درباره همکاری قدیمی‌اش صحبت کرد. او گفت: «علی معلم استقلال عمل زیادی داشت، او رفاقت را از دید خود معنا می‌کرد و عاشق بی‌نظیری در مورد سینمای سرزمین خودش بود. معلم، انسان کاربلدی بود. برپه رفاقت جشنی به نام حافظ برگزار می‌کرد؛ جشنی که ناخواسته به آدم غیرخودی در یک صفحه روزنامه تبدیل شد. او رفته‌رفته به انزوا رفت، علی معلم باید بیشتر در حوزه فرهنگی به کار گرفته می‌شد، اما ما باز در‌مورد یک رفیق دیر رسیدیم».

مسعود جعفری‌جوزانی دیگر سخنران این مراسم بود که از علی معلم به‌عنوان سپه‌سالار سینمای ایران یاد کرد و گفت: «او در دهه ۷۰ فکر می‌کرد همه دنبال فیلم‌ساختن هستند بر همین مینا گفت باید بسترسازی کنیم و به‌این‌ترتیب مجله‌ای راه‌اندازی کرد».

علی که جان من بود، با همه وجودش برای سینما بسترسازی کرد و احساس می‌کرد باید یک جشنواره مردمی برپا شود تا از عواملی که جریان اصلی را در سینما برپا می‌کنند و نیز آتهایی که به چشم دیگران نمی‌آیند، تقدیر شود»، سعید راد، بازیگر پیش‌کسوت سینما، درباره تأثیرگذاری علی معلم و جشنی صحبت کرد که با همت او گرفت و ماندگار شد. او در صحبت‌هایش گفت: «من شاهد بودم جشن حافظ را با چه مشقت‌هایی برپا می‌کرد و این درست است که چرا ما همیشه خیلی دیر می‌رسیم. او در حالی از دنیا رفت و من معلم را از دست دادم که آرزوی ساختن فیلم «گروش» را داشت». سپس ابوالحسن داوودی پشت تریبون قرار گرفت و عنوان کرد: من در جاهای مختلفی صحبت کرده‌ام، اما تنها جایی که صحبت نکردم، در مراسم تشییع پیکریک دوست بوده است. به راستی نمی‌توانم حرف بزنم، من متنی نوشته‌ام که حرفی با خاسته که لطفی کند و به فرشته‌اش بگوید دست از سر سینمای ایران بردارد، چرا سینما؟ او در ادامه متنی درهمین‌باره خواند که نوشته بود «خدایا به خودت قسمت می‌دهم که سید سینمای ایران پر شده است. خیلی‌ها استحقاق این را دارند؛ نوبتی هم باشد نوبت آنهاست، چرا عزرائیل سراغ آنها نمی‌رود، بعضی‌ها مدام منتظر مرگ‌اند و برخی فکر می‌کنند مرگ سراغشان نمی‌رود. علی سرشار از زندگی بود، چه شد که او رفت. مرگ اشتباه کرد یا علی؟ او یک کمال‌طلب بود، تهیه‌کننده قابلی بود که بعد بود به این زودی از مرگ رودست بخورد، علی معلم و من، سی‌وچندسال است که هم را می‌شناسیم، صفت مشترکی داریم که آن هنرستانی‌بودن است با تمام خصوصیتش. شما هرچه می‌خواهید بگویید، من غیرممکن است که باور کنم او رفته است».

در ادامه مراسم، حسین انتظامی، معاون مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که در مراسم حاضر بود، با اشاره به وجهه مطبوعاتی زنده‌یاد علی معلم گفت: خیلی از سینماگران از ساخت مطبوعات به ساخت سینما رسیده‌اند، اما او ماند و مجله نامداری را در دو دهه حفظ کرد. او اضافه کرد: متأسفانه ما در مطبوعات چنین اتفاقی را کم داریم، درحالی‌که او پایمردانه ایستاد و انصافاً یک روزنامه‌نگار، مطبوعاتی و مؤلف بود که باید تلاش کنیم سرمایه‌ای را که بنا نهاده مستدام بماند. در بخش‌های دیگری از مراسم، امید معلم، فرزند ارشد زنده‌یاد علی معلم، با اشاره به اینکه پدرش همیشه به او یادآور می‌شده در جشن حافظ که آن را تأثیرگذار و مهم می‌دانست جلو در بایستد تا اگر میهمانی شناخته نشد، با او به‌درستی برخورد شود، گفت: اگر الان اینجا بود، می‌گفت احترام همه باید حفظ شود. می‌دانم تک‌تک شما الان این حس را دارید و من هم دارم، چون قدرش را ندانستم و آدم فکر می‌کند حالا به سن بالا باید برسد. کسی فکر نمی‌کرد او در این سن دیگر نباشد. وی با بیان اینکه اصلاً برای چنین شرایطی آماده نبوده، افزود: الان که پدرم اینجاست، می‌توانم بگویم مسیرش را با قدرت ادامه می‌دهم و او همیشه این را از من می‌خواست. این را خطاب به آتهایی که خوشحالی هستند می‌گویم که بدانند مسیر علی معلم ازسوی فرزندان‌ش و جوان‌هایی که با او همکاری می‌کردند در کنار ماردم ادامه دارد. همسر زنده‌یاد علی معلم نیز در سخنان کوتاهی گفت: «شاید شما در یک برنامه‌هایی علی را دیده باشید، ولی من از ۱۹ سالگی با او بودم، ای‌کاش یک دوربین بود و می‌شد لحظات زندگی او را ثبت کرد. بارها به امید می‌گفتم وقتی او از سینما حرف می‌زند، باید حالا که در تلویزیون هم نیست حرف‌های او را و این‌همه اطلاعاتی که دارد ضبط کنیم تا به گوش مردم و رسانه‌ها برسد و بعدها از آن استفاده کنند».